**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه پنجاهم\_25 دی 1397**

صریح فرمایش مرحوم شیخ طوسی ادعای اجماع است بر حجیت خبر واحد فی الجمله اما انصاف قضیه این است که نمی توان با یک روایت در عده نظر شیخ را فهمید، چون ابهاماتی هست که وقتی این عبارات را کنار یکدیگر قرار میدهیم، ابهامات برطرف می شود علاوه ما ارض کردیم فهم کلام شیخ در عده وابسته است به فهم سیره ایشان در تهذیب و استبصار. او را هم باید در نظر بگیریم.

آن چه تاکنون می توان از کلام ایشان به عنوان معیار بیان کرد یکی این بود که خبر واحد ایشان خبرهایی است که امامیه اثنی عشریه نقل می کنند. اخباری است که از معصوم نقل می شود. سوم اینکه راوی سدید النقل باشد. ثقه باشد.

این سه راه در ناحیه مدعی بیان کرد اما وقتی به دلیل رسید، ادعا کرد اجماع را بر عمل به روایات موجوده در اصول و کتب معروف. فقط با یک قید و کان راویه ثقة که معنایش را گفتیم.

این معیارهای اصلی البته مطالعه عده نشان می دهد که ایشان نمی خواهد به روایات غیر امامی نمره صفر بدهد ولی نمره قبولی هم نمی دهد. ما یختص بروایته الامامی العادل را می­پذیرد اما ما یختص و ینفرد به غیر شیعه اثنی عشری را اگر ثقه هم باشد نمی­پذیرد و می گوید باید ضمیمه با روایات دیگر شود.

در ابتدای بحث که داشت مدعای خودش را بیان می کرد فرمود و لم تکن هناک قرینةٌ تدل علی صحة ما تضمنه الخبر . از نظر شیخنا الطوسی خبر واحد حجت قرینه بر وفاق نمی خواهد، این در صفحه 126.

در صفحه 135 می گوید کسی به من اشکال کرده که شما گفتید تا طائفه، به اخبار آحاد عمل کرده است. مستشکلی به من گفته، در حالی که عمل طائفه به اخبار آحادی است که قرینه بر وفاق دارد. با توجه به قرینه اصحاب عمل کرده اند

و لو تجردت (عن القرینه) لما عملوا بها. پس بحث شد بحث قرینه.

مرحوم شیخ طوسی می خواهد این اشکال را جواب دهد:

القرائن التی تقترن بالخبر و تدل علی صحته اشیاءٌ مخصوصة نذکرها فی ما بعد من الکتاب و السنة و الاجماع و التواتر ونحنُ نعلم انّه لیس فی جمیع المسائل التی استعملوا فیها اخبار الآحاد لانّها (آن مسائل) اکثر من ان تحصی ... و فتواهم

میخواهد بگوید شما از یک سو سه تا مطلب را در نظر بگیرید؛ کثرت فروع، دوم محدود بودن روایات به انچه در اصول و مصنفات آمده است و سوم اینکه نمی شود در تک تک این اخبار آحاد در این همه مسائل شما موافقت با قرآن پیدا کنید، موافقت با سنت پیدا کنید. موافقت با اجماع پیدا کنید چون بسیاری از این مسائل اختلافی است. چگونه میخواهید با این اخبار محدود در ان مسائل نا محدود روایاتی را بیاورید که تک تک آن مسائل موافق قرآن روایت داشته باشد. موافق سنت قطعیه روایت داشته باشد. موافق اجماع و تواتر روایت داشته باشد. ما همچین چیزی نه در قرآن و نه در سنت متواتر چنین چیزی را نداریم و هر کس هم چنین ادعایی بکند ادعای خطا است.

اما در صفحه 146:

و اما القرائن التی تدل علی العمل بخلاف ما یتضمنه الخبر الواحد فهو ان یکونَ هناک دلیل مقطوعٌ به (دلالت قطعی دلالی ) من کتابٍ او سنة مقطوع بها او اجماع من الفرقة المحقة علی العمل بخلاف ما تضمنه (اجماع داریم بر خلاف انچه که این روایت واحد در بر دارد) فانّ جمیعَ ذلک یوجبُ ترکَ العمل به.

می گوید اگر بر خلاف مضمون خبر واحد قرآن و سنت قطعیه و اجماعی بود، دیگر ما به آن روایت عمل نمی کنیم.

و انّما قلنا ذلک لانّ هذه الادلة توجبُ العلم و الخبر الواحد لا یوجب العلم و انّما یقتضی غالب الظن و الظن لا یقابل العلم.

بعد ایشان می آید استشهاد می کند به روایاتی که در مورد عرضه روایات است به قرآن کریم.

عرضم به حضور شما با این بیان باز دایره محدودتر شد به بیانی که دیروز بیان کردم. دایره محدود شد که روایات نباید مخالفت قطعیه با ادله قطعیه داشته باشد. پس باید بسنجیم اظن که ان چیزی که شیخ طوسی را از مثل سید مرتضی جدا می کند در بحث خبر واحد همان بحث قرینه بر وفاق است و بس و گرنه هیچ فرقی ندارد و در بین قرائن وفاق هم اجماع یک نکته اصلی است و الا حرف شیخ طوسی تفاوت ماهوی با منکرین حجیت خبر واحد ندارد. فقط در بحث قرینه بر وفاق.

ما تا به حال بحث آیات را مطرح کردیم. از آیات کریمه قرآن استفاده شد، که تا سنجش نشود، تا مقایسه نشود مضمون خبر با قرآن و قطعیات دین، و تا اطمینان نیاورد حجیت ندارد. دلیل دوم این آقایان هم اجماع است، اجماع گل سر سبدش را شیخ طوسی ادعا کرده بود و گفت محصل است. با آوردن عبارات کنار یکدیگر به خوبی تمام، بنده از عبارات شیخنا الطوسی استفاده می کنم که ایشان هم، در خبر واحد قائل به سنجش است. و قائل به تجمیع قرائن است. یکی از قرائنش ثقه بودن راوی و امامی بودنش است. یکی از قرائنش وجود روایتش در اصول معروفه و کتب مشهوره و مصنفات امامیه است. یکی از قرائنش هم این که باید مضمون خبر با قطعیات کتاب و سنت سنجیده بشود و بعد از این سنجش است که می توان به علم رسید. این علم که گفتیم منظور یقین فلسفی نیست و همان اطمینان عرفی مراد است.

بنابراین فقط بحث می ماند در این جا که آیا در مقام سنجش لازم است که قرینه بر وفاق هم باشد یا نباشد. بحث لفظی نیست. دعوا این است که همه قبول دارند قرینه بر خلاف مضر است اما آیا لازم است قرینه بر وفاق یا نه؟ شیخ طوسی می گوید نه نیازی نیست چون ما کجا می توانیم همه این فروع را با قطعیات کتاب موافق کنیم؟ می توانیم بگوییم مخالف نیست اما نمی توانیم با این همه اختلاف، موافق پیدا کنیم.

این آن چیزی است که مدعای مرحوم شیخ طوسی است و این هم دور از حرف ما تا به حال نبوده است. بله باید یک بحث جدی داشته باشیم در معنای موافقت کتاب و سنت.

این نهایت چیزی است که از اجماع جناب شیخ طوسی استفاده می شود.

یک بحثی را در این بین مطرح کردیم که نظر ایشان راجع به روایات افراد موثق غیر شیعه اثنی عشری چیست. این را در چند جا آورده­اند؛ یکی صفحه 134 :

ان جمیع ما یرویه هولاء اذ اختصوا بروایته لایعمل به

ص 141 می گوید امامیه این جور اند که جعلوا ما یختصوا الفطحیه و الواقفی و الناوسیه و غیر این ها من الفرق المختلفة بروایته ( متعلق به یختص) لا یقبلونه (به ان توجه نمی کنند پس باید در کنارش یک روایت دیگری باشد.)

ص 149، ان جا می گوید اگر یک روایت بود از شیعه و یک روایت بود از غیر شیعه و این غیر شیعه از ائمه نقل کرد فان کان هناک من طرق الموثوق بهم ما یخالفه وجب اطراد خبره و ان لم یکن هناک ما یوجب اطراد خبره و یکون هناک ما یوافقه وجب العمل به و ان لم یکن من الفرقة المحقة خبر یوافق ذلک و لا یخالفه و لا یعرف لهم قول فیه، وجب ایضا العمل به لما روی عن الصادق علیه السلام انه قال اذا نزلت بکم حادثةٌ لا تجدون حکمها فی ما روا عنا فنظروا فی ما روا عن علی علیه السلام فعملوا به

از این نظر ما روایاتی داریم که سنی اند ولی اصحاب به ان عمل کردند

ص 150:

و اذا کان راوی من فرق الشیعه نظر فی ما یرویه فان کان هناک قرینة تعضده او خبر آخر من جهة الموثقین به وجب العمل به و ان کان هناک خبر آخر یخالفه من طریق موثوقین طردش می کنیم و ان کان ما روه لیس هناک ما یخالفه و لا یعرف من الطائفه العمل بخلاف وجب ایضا العمل به اذا کان ...موثوقا فی امانته و ان کان مخطئا فی اصل الاعتقاد

و اما ما ترویه الغلاة و المتهمون و المضعفون و غیر هولاء اگر روایت در حال استقامت این ها صادر شده است که هیچی فاما ما یرویه فی حال تخلیطهم دیگر جایز نیست به ان عمل کنیم و ان کان هناک ما یعضد روایتهم و یدل علی صحتها وجب العمل به.

و ان لم یکن هناک ما یشهدوا لروایتهم بالصحة وجب التوقف فی اخبارهم و لاجل ذلک توقف مشایخ عن اخبار کثیرة هذه صورتها.

این عباراتی که خواندیم به صراحت تمام نشان می دهد شیخ طوسی اگر چه بحث اصول مشهوره و مصنفات را بیان فرموده است اما در روایات هم بحث سندی را دارد و از راه تجمیع قرائن می آید نه این که روایات را کلا بگذارد کنار. می گوید اگر این روایات با قرائنی کمک می شد این هم یک نمره ایی دارد. و الا فلا.

این عبارات هم نشان می دهد که خبر ایشان هر خبر واحدی نیست و باید از مجرای نقد سند و نقد دلالت هم بگذارد ایا این مضمونش را گفته اند یا نگفته اند . بله در مواردی که نه موافق و نه مخالف هست امد یک تعلیقه هایی را بیان کرد.

این بحث اجماع و نظر شیخ طوسی ان شاء الله جلسه بعد می رویم سراغ روایات.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.